

عنوان مقاله:

کرونا؛ چالش الهیات شر در «معنا» طلبی بشر

محل انتشار:

مجله الهیات تطبیقی، دوره 13، شماره 27 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

مجتبی عطارزاده - دانشیار علوم سیاسی، گروه دروس عمومی و معارف اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

خلاصه مقاله:

عاجز ماندن پیشرفته ترین کشورهای جهان در مهار بیماری خطرناک کرونا، فطرت فروخته انسان عصر جدید مدعی توانمندی حل همه مشکلات خود به تنهایی را تکان داد و او را متوجه ناکارآمدی علم سکولار در مواجهه با بحران امنیت و سلامت کرد. پیدایش و شیوع این ویروس به عنوان مصداق و نمونه کاملی از شر و تهدیدگر نسل بشر که با افزایش شدید تلفات، ضعف انسان در مقابله با آن کاملاً آشکار شد، بسیاری را به تامل در معنای زندگی رهنمون کرد. فرضیه این نوشتار در پاسخ به سوال اصلی این پژوهش که چگونه باوجود جولان الهیات شر در اثر کرونا، موضوع معنا و مفهوم حیات برای بشریت مدرن اهمیت مضاعف پیدا کرد، این است که کرونا همچون دیگر شرور با آشکارکردن عجز و ناتوانی بشر پیشرفته امروزی در مواجهه با پدیده مرگ، عرصه را برای بازاندیشی در فلسفه حیات - که در هیاهوی مدرنیسم به محاق فراموشی رفته است - گشود. نتیجه حاصل از این کاوش بیان کننده این واقعیت است که برخلاف انتظار، حادثه کرونا نه تنها سکولاریسم را تقویت نکرده، نیاز حیاتی انسان برخوردار از همه مواهب مادی را به فریادرسی نجات دهنده به وضوح آشکار کرده و پرده از این واقعیت برداشته که هرچند جهان به لحاظ مادیت از خود نومید شده، به لحاظ معنویت، همچنان نیاز به دین و نقش آفرینی در حیات برای تقویت روحی بشر از رهگذر معنابخشی به فلسفه حیات به قوت خود باقی است. با ظهور کرونا و آشکارشدن ضعف انسان، بیش از گذشته، حتی اگر به دلیل تعطیلی مناسک دینی جمعی، ادعا شود این بیماری موجب تقویت دینداری نیست، دست کم آثار و نشانه ها بیان کننده آن اند که کرونا مردم را از دین دور نکرده و نخواهد کرد که این الهیات شر را با چالشی جدی مواجه کرده است.

کلمات کلیدی:

کرونا، دین، بحران، معنا، مدرنیته

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1475996>

